

تجلیل از هشت مارچ در افغانستان کنونی

هشتم مارچ است و روز جهانی زن. این روز اما در کشور بی در و دروازه ما به گونه دیگر تجلیل می شود و جهت های مختلف نمایشی و فرسایشی دارد. نمایشی برای متحدین خارجی که فریمان پول می ریزند در آن ویرانه سرا، و فرسایشی برای زنان دربند کشیده شده افغانستان و هر "مذکر" ای که هر روز و هر ساعت؛ زنان، خواهران، دختران و مادران شان به شدت تحقیر و توهین می شوند، مگر آنها خاموش در خاموش اند و اینهمه تحقیر و توهین را چون زهر هلاهل فرو میبرند و دم نمی زنند.

من اما نمی توانم در اوضاع و احوال کنونی، روز زن را برای زنان دربند کشیده شده افغان، تبریک و تهنیت بگویم. زن افغان چنان دربند دربند است که هیچ جایی برای تبریک گفتن نمی گذارد.

من مگر قد راست، دوتا می شوم و سر تعظیم به زنان باشاهمت، بردبار، پرتلاش، معصوم، مظلوم، اما سربلند افغان در سرتاسر کره ارض، بخصوص در داخل افغانستان غمزده و کمپ های مهاجرین در ایران اسلامی و پاکستان اسلامی، فرود می آورم و نه بر دست ها، بلکه بر پا های زنان و مادران افغان که با تمام ناملایمات، با کوهی از غم و غصه، با پشتاره از رنج و درد و اندوه، با دنیایی از نابرابری و نامردی و نامردمی؛ در داخل قفسی که آدمی زاده هائی از جنس "مذکر" برای شان ساخته اند، دست و پا میزنند و به فرزندان شان درس انسان دوستی و شفقت، درس مهر و محبت، درس آزادی و غیرت، درس وطن دوستی و انسانیت، درس افغانیت و درس صفا و صمیمیت می دهند، بوسه میزنم.

بگذار یک مشت اوباش و ارازل از سر جهل و جهالت، چهار صباحی در مغز های منجمد شان، خود را نمایندگان خدا در روی زمین بشمارند و بر زنان سربلند و آزاده افغان، به حکم دین ای که بر آن دانسته و نادانسته خیانت میکنند، ظلم و ناروا، روا دارند؛ چنان نماند و چنین نیز نخواهد ماند و زود است که مانند اسلاف شان به گودال تاریخ سپرده شوند.

اما و مگر در آن بیغوله ای بی در و پیکر، نه تنها ملا و مولوی و طالب و چلی بر زنان با شرف افغان ظلم روا میدارند، بلکه پولیس " ملی" نیز از این قافله جهل و جنایت عقب نمانده است.

این مقدمه مختصر بدین منوال رقم خورد که یکی هشتم مارچ است و روز جهانی زن و دیگر اینکه گزارش هائی از داخل افغانستان به نشر رسیدند مبنی بر اینکه حقوق حقۀ زنان افغان در

تن های هرزه را سنگسار می کنند
غافل از آنکه شهر پر از فاحشه های مغزی است
و کسی نمی داند که مغزهای هرزه
ویرانگر ترند تا تن های هرزه

داخل کشور و حتی در داخل کابل به شدت پامال می شود.

از یک جانب طالبان جهل و داعش سیه دل و جنگ سالاران بگیل و وابستگان تنظیم های هشت رخ و نُه گرد از چهار سو و شش جهت بر زنان مظلوم افغان بلاوقفه ظلم و تعدی روا میدارند و دست و پا میبرند و سنگسار میکنند

و دره میزنند و هزار و یک ناروای دیگر به نیمه بزرگتر و نیمه بهتر جامعه جنگ زده افغان، روا میدارند، بلکه از جانب حکومت دوسره نیز مورد توهین و تحقیر و جور و جفا قرار میگیرند که سخت درد آور است. به این گزارش دقت کنید:

رئیس کمیسیون حقوق بشر از ادامه آزمایش بکارت در افغانستان ابراز نگرانی کرد

ناهید بشردوست

کابل(پژواک، ۱۳حوت ۹۶): رئیس کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، می گوید که با وجود مخالفت مدافعان



حقوق بشر، هنوز هم به شکل گسترده در مناطق مختلف کشور، آزمایش بکارت صورت می گیرد.

سیماسمر، این موضوع را امروز در گردهم آئی در کابل که با عنوان "عدالت برای قربانیان معاینات نسایی" برگزار شده بود، بیان کرد.

وی گفت: "با وجود مخالفت مدافعان حقوق بشر با آزمایش

بکارت، این کار هنوز به گستردگی در افغانستان انجام می شود؛ این آزمایش زمانی در شفاخانه ها انجام می شود که پولیس به داشتن رابطه(جنسی) میان دختران و پسران شک کند."

سمر افزود: "وقتی دختر و پسر یک جا دیده می شوند، پولیس بخاطر اینکه مطمئن شود با هم رابطه غیرمشروع نداشته اند، آنان را به شفاخانه ارجاع می دهد و شفاخانه معاینه بکارت می کند و چگونگی آن را به پولیس گزارش می دهد و اگر جواب معاینه مثبت بود، آنان را به زندان می فرستند."

رئیس کمیسیون مستقل حقوق بشر افزود: "معاینه بکارت دختران؛ آزار جنسی وحشتناک، نقض کرامت انسانی و حقوق بشری است."

سیماسمر با ابراز نگرانی از سطح پائین آگاهی اجتماعی در این زمینه گفت: "کیفیت تعلیم و تربیه در مکاتب افغانستان، بسیار ضعیف است و باید تمام مسائل نسایی- ولادی باید در نصاب درسی گنجانده شود؛ تا ذهنیت مردم در این زمینه تغییر کند و فکر آنان در این زمینه روشن شود."

وی گفت: "هدف ما از منع شدن آزمایش بکارت این نیست که بد اخلاقی را ترویج کنیم؛ اما هدف این است که مصئونیت و آزادی انسانی را ایجاد کنیم."

داکتر گلالی خلیل زی متخصص زنان و زایمان شفاخانه رابعه بلخی کابل به پژواک گفت: "وجود نداشتن پرده بکارت، دلیلی بر داشتن روابط جنسی نیست؛ چرا که در بعضی موارد دیده شده است که پرده بکارت به شکل طبیعی وجود ندارد."

در ادامه گردهم آئی، مؤسسه حمایت از زنان افغان (Afghanistan Medica) یافته های این نهاد را در مورد پدیده آزمایش بکارت در افغانستان، ارائه کرد.

حمیرا امین رسول رئیس مؤسسه حمایت از زنان افغان گفت که در سال گذشته میلادی (۲۰۱۷)، وکلای این نهاد، وکالت بیشتر از ۴۰ زن را که در شهرهای کابل، مزار شریف و هرات به اجبار آزمایش بکارت شده اند، به عهده داشته اند.

وی افزود: "احتمال دارد آمار آزمایش اجباری بکارت بیشتر باشد؛ بخاطر اینکه بعضی از زنان حاضر نیستند در این زمینه صحبت کنند."

حمیرا امین رسول در مورد پیامدهای این نوع آزمایش گفت: "اجبار به این انجام آزمایش بکارت، به روحیه دختران آسیب جدی می رساند و در عین حال، در صورتی که نتیجه آزمایش منفی باشد برخی کشته می شوند، طلاق داده می شوند و یا شماری تا آخر عمر در خانه زندانی می مانند."

قرار است در این گردهمایی که با شرکت بیشتر از ۱۰۰ تن از مدافعان حقوق زنان برگزار شده است، مشکلات و جنجال هایی ناشی از آزمایش پرده بکارت برای دختران، به بحث و بررسی گرفته شود و راه کارهای پایان دادن به این مسئله ارایه گردد.

به گفته رئیس کمیسیون حقوق بشر، تعدیل کود جزایی افغانستان به منظور گنجاندن منع آزمایش بکارت، یکی از راهکارهایی قانونی و مؤثر است که می تواند در این راستا صورت گیرد.

حال که این گزارش از نظر گذشت، به این سند هم در همین مورد توجه کنید:

آمر حوزه نهم امنیتی کابل این مکتوب رسمی را صادر کرده است که صد رحمت بر او باد.

سمونوال" بسم الله تابان"، آمر حوزه نهم امنیتی پولیس کابل، افراد پولیس زیر فرمایش را شدیداً اخطار میدهد تا دست به این جنایت نزنند.

دیده می شود که این بدعت سخیف و غیر انسانی و غیر افغانی، حتی در داخل شهر کابل هم به شدت در جریان است، در بیخ گوش غنی و عبدالله و در زیر زنج مؤسسه حقوق بشر، نمایندگی ملل متحد، نمایندگان اتحادیه اروپا، سفارت خانه های خارجی، ناظرین حقوق



بشر و...

نظر به گزارش متذکره فوق این جنایت عظیم در حق زن و مرد افغان بصورت گسترده در تمام افغانستان، خصوصاً در کابل و هرات و مزار شریف، در جریان است.

پس با این اوضاع و احوال چگونه می شود روز جهانی زن را برای زنان دربند کشیده شده افغان، در افغانستان تریک و تهنیت گفت؟!

دیده می شود که حضور یک جمع قلیل "زن" در ادارات دولتی در سطح وزیر امور زنان، رئیس ریاست "مستقل" حقوق بشر افغانستان، معین فلان وزارت، وکیل بهمان ولایت و نطق این ریاست و "سخنگوی" آن وزارت و... نمایش ای بیش نیست و این خواهران ما در حالیکه معاشات و ماکولات و خرچ دسترخوان وافر به دست می آورند و وسائل نقلیه ضد گلوله و بادبگارد های تا دندان مسلح در اختیار دارند و کش و فش شان و داد و فریاد شان

از زمین است تا به ثریا، اما هیچکدام از قدرت اجرائی ولو اندک هم برخوردار نیستند و تا الحال مصدر هیچ خدمتی به زنان دربند کشیده شده افغان نشده اند و نمی توانند شوند؛ فقط آنچه انجام میدهند در یخ نوشتن و در آفتاب گذاشتن است و بس. چکیده که در بالا خود نمائی میکند، از قلم زنده یاد "فروغ فرخ زاد" است و اینکه در ذیل می آید منسوب به "حکیم عمر خیام" است که هر دو را در این مختصر گنجانیدم؛ باشد که قبول افتد.



پس راه چاره چیست و چه باید کرد؟!
به فکر قاصر این نه "کمترین" و نه هم "زیادترین"، بهترین راه و روش جلوگیری

از این وحشت و جنایت در حق بهترین بندگان خدا(مادر) که زن است، این تواند بود که زنان افغان و منسوبین و

بر من قلم تضاچوبی من رانند
پس نیک و بدش زمن چرامیدانند
دی بی من و امروز چودی بی من و تو
فروا به چه حتم به داور خوانند

اقارب "مذکر" شان دست به اعتراضات مسالمت آمیز بزنند هم در مرکز و هم در ولایات، و اگر این اعتراضات همزمان برگزار گردند، حکومت دوسره کابل را مجبور خواهد ساخت که مواد اساسی منع خشونت علیه زنان را در قانون اساسی گنجانیده و توشیح نمایند و جزای سنگین به متخلفین تعیین نمایند و نمایندگان انتخابی همچو اعتراضات مدنی و مسالمت آمیز با جدیت تمام ناظر آن باشند تا قانون متذکره، بصورت تمام و کمال مرعی

الاجرا گردیده و متخلفین به جزای اعمال شان برسند، صرف نظر از اینکه متخلف یا متخلفین مربوط پولیس اند یا هر مرجع دیگر رسمی و غیر رسمی.

البته این اعتراضات باید بصورت دومدار و تا رسیدن به خواسته های شان ادامه یابد و از نوع اعتراضات سپید باشد، نه سبز و زرد و نارنجی.

حکومت مکلف ساخته شود تا بدون چون و چرا و اما و مگر و باید و شاید به شفاخانه ها و دکتوران مؤظف فرمان صادر کند تا از اجرای همچو معاینات ضد بشری بصورت قطع خودداری ورزند و در صورت تخلف با آنها برخورد قاطع و شدید قانونی صورت گیرد.

با در نظر داشت آنچه گفته آمد، یک شاخه گل بی خار تقدیم زنان با شرف افغان باد!!!

